

# استانبول

خاطرات و شهر

اورحان پاموک

برندهٔ جایزهٔ نوبل ۲۰۰۶

ترجمهٔ

شهلا طهماسبی



ویراستار: علی کاتبی



انتشارات نیلوفر

## فهرست

- معرفی نویسنده ..... ۱۳
۱. اورحان دیگر ..... ۱۵
۲. عکسهای خانه موزه دلگیر ..... ۲۳
۳. «من» ..... ۳۴
۴. اندوه عمارت‌های اعیانی پاشایی ویران شده: کشف کوچه و خیابانها ..... ۴۵
۵. سیاه و سفید ..... ۵۴
۶. سیر و سیاحت بوسفور ..... ۷۱
۷. منظره‌های بوسفورِ ملینگ ..... ۹۰
۸. مادرم، پدرم، و غیبت‌های جور و اجور ..... ۱۰۹
۹. خانه دیگر: جهانگیر ..... ۱۱۸
۱۰. حزن - مالیخولیا - اندوه (Tristesse) ..... ۱۲۷
۱۱. چهار نویسنده تنهای حزن زده ..... ۱۵۰
۱۲. مادر بزرگ پدری ام ..... ۱۶۲
۱۳. لذت و ملال مدرسه ..... ۱۶۸
۱۴. یور نیمزفت دیزادنین ..... ۱۷۸
۱۵. احمد راسم و دیگر روزنامه نگاران شهر ..... ۱۸۲
۱۶. در کوچه و خیابان بهت زده راه نروید ..... ۱۹۰
۱۷. لذت‌های نقاشی کردن ..... ۱۹۹
۱۸. رشاد اکرم کوچو و مجموعه حقایق و غرایب او: دایرةالمعارف استانبول ..... ۲۰۴



۱۹. فتح یا زوال؟ ترک کردن قسطنطنیه ..... ۲۳۳
۲۰. دین ..... ۲۴۲
۲۱. اغنیا ..... ۲۵۵
۲۲. کشتیهایی که از بوسفور عبور می کردند، آتش سوزیها، اسباب کشیها و فلاکتهای دیگر. ۲۶۹
۲۳. نروال در استانبول: پرسه زنیهای در پی اوغلو ..... ۲۹۳
۲۴. پرسه های مالیخولیا زده گوتیه در شهر ..... ۳۰۰
۲۵. زیر چشم غربی ..... ۳۱۳
۲۶. حزن ویرانه ها: تانپینار و یحیی کمال در محله های فقیرنشین حاشیه شهر ..... ۳۲۶
۲۷. مناظر بدیع در محله های حاشیه ای ..... ۳۳۶
۲۸. استانبول در نقاشیهای من ..... ۳۴۸
۲۹. نقاشی کردن و خشنودی خانوادگی ..... ۳۵۸
۳۰. دود کشتیها در بوسفور ..... ۳۶۴
۳۱. فلوریدر استانبول: شرق، غرب، و سیفلیس ..... ۳۷۲
۳۲. دعوای ام با برادر بزرگام ..... ۳۸۱
۳۳. مدرسه بیگانه، بیگانه ای در مدرسه ..... ۳۹۱
۳۴. ناخشنودی، بیزاری از خود و شهر خود است ..... ۴۰۹
۳۵. اولین عشق ..... ۴۲۰
۳۶. کشتی در شاخ زرین ..... ۴۴۳
۳۷. گفت و گویی با مادرم: صبر، محافظه کاری، هنر ..... ۴۵۸
۳۸. نمایه ..... ۴۷۵

فرید اورحان پاموک در ۱۹۵۲ در خانواده‌ای پرجمعیت نظیر آنچه در رمانهای جودت بیگ و پسران‌اش<sup>۱</sup>، و کتاب سیاه<sup>۲</sup> شرح داده به دنیا آمده است. همان‌طور که در استانبول، زندگی‌نامه خود نوشت، می‌گوید، تا ۲۲ سالگی در رؤیای نقاش‌شدن بود. در این زمان پس از سه سال تحصیل در رشته معماری، به این نتیجه رسید که نقاش یا معمار نخواهد شد، درس را نیمه‌کاره رها کرد و در دانشگاه استانبول روزنامه‌نگاری خواند. در ۲۳ سالگی تصمیم گرفت نویسنده شود، پس همه‌چیز را کنار گذاشت و به کنج خانه خود پناه برد و دست به کار نوشتن شد. نخستین رمان او، جودت بیگ و پسران‌اش در ۱۹۸۲ منتشر و برندهٔ جایزه‌های اورحان کمال و ملیت شد. سال بعد رمان خانهٔ خاموش<sup>۳</sup> را منتشر کرد که ترجمهٔ فرانسوی آن در ۱۹۹۱، *Prix de la Decouverte Européene* (جایزهٔ کشف اروپایی) را به دست آورد. رمان قلعهٔ سفید<sup>۴</sup>، در ۱۹۸۵ منتشر و پس از ترجمه به زبان انگلیسی (در ۱۹۹۰) و بسیاری زبانهای دیگر از جمله زبان فارسی، برای او شهرت جهانی فراهم آورد. در فاصلهٔ سالهای ۸۸ - ۱۹۸۵ به عنوان «دانشمند مهمان» در دانشگاه کلمبیا در نیویورک تدریس کرد. در ۱۹۹۰ کتاب سیاه را که در آن کوچه و خیابانهای استانبول، کمیا، بافت شهری و گذشتهٔ استانبول را از زبان وکیلی که در جست‌وجوی «زن غیبگو» است شرح داده، نشر داد.

ترجمهٔ فرانسوی این اثر برنده *Prix France Culture* (جایزهٔ فرهنگ فرانسه) شد و بر دامنهٔ شهرت پاموک در خارج از ترکیه افزود. در ۱۹۹۱، از یک اپیزود

1. Cevdet Bey ve Oğulları

2. Karakitap

3. Sessilev

۴. AK Kale، با نام دژ سفید نیز به فارسی ترجمه و منتشر شده است.